

اول شخص مفرد

ملاقات با آوینی



فریدون جیرانی

دوره یازدهم با اینکه وزیر ارشاد عوض شده بود، انوار و بهشتی هنوز در معاونت سینمایی و فزایی حضور داشتند و جشنواره فجر در روال سال‌های قبلیش برگزار می‌شد. سال ۷۱ برای نخستین بار به منتقدان و نویسندگان سینمایی یک سالن اختصاص داده شد. سینما شهر قصبه در این دوره میزبان مطبوعاتی‌ها بود. همه هم آمده بودند؛ از خسرو دهقان و هوشنگ گل‌مکانی گرفته تا مسعود فراسی، کافی شاپ سینما همیشه شلوغ بود و قهوه و چای و گپ زدن‌های بچه‌های مطبوعات از طیف‌های مختلف که برای نخستین بار در یک سینما گرد هم آمده بودند، به راه بود. بادم هست که مسعود فراسی مقابل شهر قصبه مرا با مرتضی آوینی آشنا کرد. با هم احوالپرسی کردیم و کمی گپ زدیم. این نخستین و آخرین باری بود که من آوینی را دیدم. آوینی آن دوره داور جشنواره و به نظر من مؤثرترین عضو هیأت داوران بود که البته بقیه اعضا هم افراد شاخصی بودند. مثلا عزت‌الله انتظامی هم آن سال داور بود. همینطور سیدمهدی شجاعی و عزیزالله حمید نژاد، ولی به نظر من آدم کلیدی داوران جشنواره، آوینی بود. در این دوره برای نخستین بار نشست‌های مطبوعاتی برگزار شد که متولی‌اش هم مجمع تهیه‌کنندگان بود که بعدا شد اتحادیه تهیه‌کنندگان. رسول صدرعاملی هم نشست‌های مطبوعاتی را اداره می‌کرد. گزارش نشست‌ها را ما در هفته‌نامه «سینما» منتشر می‌کردیم. چون تهیه‌کنندگان متولی نشست‌ها بودند، به صدرعاملی گفته بودند سوالات انتقادی را از فیلمسازان نپرسد.

جشنواره یازدهم جشنواره حتمی کیا بود. «از کرخه تا راین» یکی از فیلم‌های مهم این دوره بود و برای نخستین بار اکران فیلم حتمی کیا شلوغ شد. ما شیفته «دیده‌بان» و «مهاجر» بودیم. فیلم‌های اول حتمی کیا، مورد ستایش منتقدان قرار گرفته بود ولی تماشاگر با «از کرخه تا راین» حتمی کیا را کشف کرد. سر نمایش فیلم در دوره یازدهم، قیامت شد. اتفاقی که برای فیلم‌های کیمیایی و مهر جویی و مخملباف می‌افتاد. حالا برای حتمی کیا رخ داده بود. «ردپای گرگ» کیمیایی یکی از فیلم‌های بحث‌برانگیز این دوره بود. فیلم کیمیایی زمان جشنواره به درستی درک نشد و سال‌ها بعد منتقدان فیلم را کشف کردند. به هر حال ما به کیمیایی علاقه داشتیم و من سرسرحنه فیلمبرداراش هم رفتیم. موقع فیلمبرداری سکانسی که فرامرز قریبیان، منوچهر حامدی را به قتل می‌رساند و سکانس مهمی هم هست، حاضر بودم. یادم هست که مهدی هاشمی، فرزند آقای هاشمی که آن موقع رئیس جمهور بود هم سر صحنه بود. احتمالا به دعوت تهیه‌کننده، چون دوست مرتضی شایسته بود. کاراکتر منوچهر حامدی در «ردپای گرگ» بسیار مهم است که آن موقع متوجه اهمیتش نشدیم. کیمیایی در «ردپای گرگ» برای نخستین بار در سینمای ایران، مسئله فساد را مطرح می‌کند. دوره یازدهم دوره درخشش رفیق‌مان سیروس لوند بود که با فیلم «یک بار برای همیشه»

سیمرغ کارگردانی را برد. نکته جالب داورهای این بود که جایزه بهترین فیلمنامه را به «سارا» دادند. فرامرز قریبیان هم برای «ردپای گرگ» کیمیایی و «بندر مه‌آلود» قویدل نامزد جایزه بود و همه انتظار داشتند برای «ردپای گرگ» جایزه بگیرد ولی سیمرغ را برای «بندر مه‌آلود» به قریبیان دادند. به این دلیل که قریبیان در فیلم کیمیایی چاقو به دست بود ولی در فیلم قویدل نقش یک پلیس را ایفا می‌کرد. در جشنواره یازدهم، یک منتقد سینما با نخستین فیلمش حاضر بود و فیلمش هم مورد توجه داوران قرار گرفت و در رشته‌های زیادی نامزد دریافت جایزه شد؛ احمدامینی و فیلم «سایه‌های هجوم». دوره یازدهم را باید در امتداد جشنواره‌های مهم اواخر دهه ۶۰ ارزیابی کرد. پایان جشنواره یازدهم در بهمن ۷۱، پایان یک دوران بود.

عکس: همشهری/معاذ

واکنش تندکارگردان صبح اعدام به انتقادهای عضو هیأت انتخاب جشنواره

افخمی: فیلم من را

از جشنواره بیرون بکشید



گویا اعتقاد دارد جشنواره را باید مثل پادگان اداره کرد. ایشان با صحبت‌هایش نشان داد با قواعد جشنواره‌های خارجی هم آشنایی ندارد؛ از جمله نظم آهنینی که فکر می‌کند در جشنواره‌های خارجی برقرار است. به هر حال این آقا اعتراف به اشتباه کرده و راهش هم جبران مافات است، نه اینکه عصبانی شده و عقده‌گشایی کند. افخمی که حضورش در برنامه «هفت» و شرکتش در مسابقه جشنواره با «صبح اعدام»، مورد انتقاد برخی قرار گرفته بود، گفت: «گر از قبل می‌گفتند، به خاطر برنامه هفت نمی‌توانید در مسابقه باشید قطعاً فیلمم را از جشنواره بیرون می‌کشیدم. شرکت در مسابقه کمترین ارزشی برای من ندارد و از طرف دیگر در برنامه هفت به دنبال این هستم که کار کارگردان‌های جوان دیده شود و حتی از آنها ضایع نشود.»

وقتی چاقو دسته خودش را می‌برد

این نخستین بار در تاریخ جشنواره فجر است که در میانه برگزاری این رخداد یک عضو هیأت انتخاب، با صحبت‌هایش حاشیه‌ساز شده است. محمدرضا عباسیان که خودش سابقه برگزاری جشنواره به‌عنوان دبیر را نیز دارد و قاعدتاً باید با ساختار جشنواره آشنا باشد، نکاتی را مطرح کرد که مشخص بود منجر به حاشیه و جنجال می‌شود. صحبت‌هایی که می‌شد آنها را پس از پایان جشنواره مطرح کرد یا اگر هم موضوع خیلی جدی‌ای بود، از حضور در هیأت انتخاب انصراف داد.

اما بعد در جدول دیدیم که کارگردان شخص دیگری است. دوستان ارشاد گفتند دانشی، مشاور مجری طرح و مشاور تهیه‌کننده است. این خود یک بحثی بود که اگر این فیلم کاظم دانشی است پس باید پروانه ساختش هم عوض شود. اگر هم کارگردانی مشترک علیرضا و دانشی است که دیگر فیلم اول نیست. خود آقای دانشی هم گفت ارشاد از او خواسته بالای سر این فیلم باشد. به هر حال ما این فیلم را به‌عنوان کار اول علیرضا پذیرفتیم که ۵۰ دقیقه بود و این فیلمی که الان دیدیم، نبود. عباسیان در گفت‌وگویش به فشارهای وارد شده بر هیأت انتخاب پرداخته و مصداقش را فیلم‌های کارگردان‌های بزرگ دانسته بود. این عضو هیأت انتخاب جشنواره گفته بود: «کارگردان‌ها یکی از این موارد هستند. مثلاً فیلم‌هایی به هیأت انتخاب می‌رسند که کارگردان بزرگی آن را ساخته‌اند و همین امر باعث می‌شود بسیاری از قوانین مربوط به جشنواره زیر پا گذاشته شود.»

دنبال شرمی کردم

افخمی در پاسخ به صحبت‌های عضو هیأت انتخاب جشنواره گفت: «ما در «هفت» اصلاً دنبال جنجال می‌گردیم. برنامه تلویزیونی به خصوص وقتی درباره موضوع خاصی است خوب است که دنبال جنجال و حاشیه باشد. من اصلاً دنبال شرمی کردم و خیلی خوشحال شدم که این حرف‌ها زده شد. در واقع ایشان چراغ اول را روشن کرد. این آقا با توجه به حرف‌هایی که درباره جشنواره زد،

پاسخ کارگردان «صبح اعدام» به صحبت‌های یک عضو هیأت انتخاب، مهم‌ترین حاشیه جشنواره را رقم زد. بهروز افخمی که امسال هم مجری برنامه «هفت» است و هم فیلم «صبح اعدام» را در بخش مسابقه دارد، روی آنتن زنده بر نامه هفت خطاب به یک عضو هیأت انتخاب جشنواره فجر گفت: «اولاً اشتباه خود را توجیه نکنید و اگر می‌خواهید درباره بی‌پدنی حرف بزنید، ابتدا از اشتباه هیأت انتخاب عذرخواهی کنید. شما فیلم بی‌پدنی را با بی‌دقتی دیدید و الان می‌توانید اشتباهاتتان را جبران کنید.» افخمی همچنین تأکید کرده به‌عنوان کارگردان فیلم «صبح اعدام» حاضر است فیلمش از بخش مسابقه بیرون برود تا فیلم «بی‌پدنی» جایز را بگیرد. افخمی در حالی درخواست فیلم «بی‌پدنی» برای حضور به جای فیلم خودش را مطرح کرده که عباسیان در مصاحبه جنجالی‌اش گفته بود «بی‌پدنی» حتی در بخش نگاه‌نویس هم نباید حضور می‌داشت.

محمدرضا عباسیان، عضو هیأت انتخاب چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر در یک برنامه تلویزیونی گفته بود: «بی‌پدنی» آخرین فیلمی بود که دیدیم. ما وقت‌مان گذشته بود و باید جمع‌بندی می‌کردیم اما چون از طرف تهیه‌کنندگان دولتی فیلم و مشاورانی که در فیلم هستند و افرادی در وزارت ارشاد، با اعضای هیأت انتخاب تماس گرفته شده بود، ما مجبور شدیم فیلم را ببینیم. او در مورد عوامل فیلم نیز گفت: «نصورت همه این بود که «بی‌پدنی» فیلمی به کارگردانی کاظم دانشی است

مجتبی امینی: جشنواره فجر است و حاشیه‌ها پیش

مجتبی امینی دبیر چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر نکاتی درباره اتفاقات و حاشیه‌های پیش آمده در این روزها مطرح کرد. امینی که به شبکه خبر رفته بود در واکنش به حاشیه‌های جشنواره امسال گفت: به قولی جشنواره فجر است و حاشیه‌ها پیش اقطار جشنواره فجر به سرعت در حال حرکت است و اکنون به نیمه راه رسیده است. ما دوره‌های جشنواره فیلم فجر همیشه هم متن وجود داشته است و هم حاشیه و این قضیه باعث پررنگ شدن جشنواره می‌شود. نقد باعث سازندگی جشنواره است و باعث ایجاد شور میان صاحبان آثار و رسانه‌ها می‌شود. او درباره تمایل فیلم‌اولی‌ها برای حضور در بخش سودای سیمرغ و حواشی برخی فیلم‌ها از جمله فیلم «بی‌پدنی» گفت: همه سینماگران در طول سال تلاش می‌کنند تا اثرشان را در فصل بهار و تولد سینما به جشنواره فیلم فجر

برسانند. امسال ۱۰۶ اثر در بخش ملی اعلام آمادگی کردند. قاعدتاً ما محدودیتی برای حضور آثار در جشنواره نداریم و طبق آیین‌نامه می‌توانیم میزبان ۲۲ اثر در بخش سودای سیمرغ و ۱۱ اثر در بخش نگاه‌نویس باشیم. همه عوامل دوست دارند که اثرشان در جشنواره باشد اما باید قبول کنیم که ما با محدودیت مواجه هستیم. همه جشنواره‌ها آیین‌نامه و ضوابطی دارند و افراد موظف هستند که به ضوابط جشنواره احترام بگذارند. همه جشنواره‌ها بر اساس سیاست‌های کلانشان حرکت می‌کنند. او ادامه داد: ما مانع‌اندازی در یافت آثار را تا ۱۵ ماه گذشته بودیم تا هیأت انتخاب آثار را مشاهده و بررسی کنند. خیلی از دوستان اثرشان تا آن زمان ناقص بود؛ مانند سال‌های قبل. همیشه توصیه دبیرخانه جشنواره به این افراد این است که اثر را برای دوره‌های بعد نگه دارند تا حیف نشود اما عشق به حضور در جشنواره برای همه وجود دارد و اشخاص دوست دارند به قطار جشنواره برسند. ما نیز به این شور و اشتیاق احترام می‌گذاریم.